

نظریه رمان جورج لوکاچ

مقدمه

در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات آثاری وجود دارند که اساس استقلال این حوزه را تشکیل می‌دهند. نظریه رمان بی‌تردید یکی از آنهاست. نظریه رمان اثر کلاسیک فیلسوف مناقشه برانگیز مارکسیست، جورج لوکاچ است، فیلسوفی که با قرائت هگلی آثار مارکس، مارکسیسم را از بن بست قشری‌گرایی مکانیستی نظیر ژدانف رهایی بخشید. اگرچه مارکسیسم استالینیستی تحمل این چرخش را نداشت و در هاویه آن گفتمان، فیلسوف فرهنگ به تکفیر خود درآمد.

از لوکاچ آثار متعددی بر جای مانده است لیکن جان و صورت، نظریه رمان و تاریخ و آگاهی طبقاتی جایگاه ویژه‌ای در میان آثار وی دارند. این تریلوژی که در حوزه ادبیات با رمان تاریخی به جای تاریخ و آگاهی طبقاتی تکمیل می‌گردد، تأملات بسیاری را در عالم اندیشگی برانگیخته است. اما سه گانه لوکاچ با تأخیر بسیار به زبان فارسی برگردانده شد. و شاید اگر شرایط اجتماعی علت این تأخیر نبوده باشد، دشواری متن دلیل آن شمرده شود. به هر روی نظریه رمان محور این نوشتار را تشکیل می‌دهد. حسن مرتضوی این کتاب را در سال ۱۳۸۱ به فارسی برگردانده است. مترجم نام آشنایی که پیشتر دست نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴ مارکس را ترجمه کرده بود. ترتیب ترجمه بیش از هرچیز یادآور کشف مجدد دست نوشته‌ها در نظریه رمان است.

متن

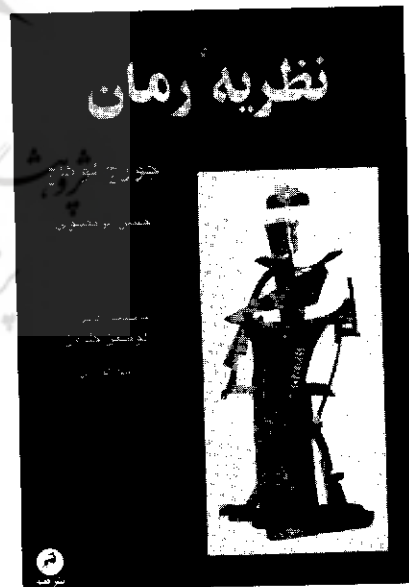
امانوئل کانت فیلسوف برجسته عصر روشنگری با شعار «دلیر باش در به کار گرفتن فهم خویش» (کانت، ۱۳۷۷، صفحه ۱۷) که تبلور خرد خودبنیادی است که قلب نظام فلسفی وی را تشکیل می‌دهد، و گنورگ ویلهلم هگل با تأکید بر تحقق عقل در تاریخ و اینکه «تاریخ جهانی، نمودار تکامل آگاهی روح از آزادی خود و تحقق بعدی این آزادی است» (هگل، ۱۳۷۹، ۱۸۴) در حقیقت موضع خرد خاکی را تا آسمان آزادی برکشیدند، هرچند تحقق توأمان وعده‌های روشنگری محل منازعه بود و منشأ تناقض ذاتی مدرنیته.

اما، بلوغ عقل به معنی آن بود که هیچ ساحت مقدسی وجود ندارد که مصون از قدرت نقد باشد و این نقد عمدتاً در دو بعد توسعه یافت، آسمان پرستاره و درون بی‌انتهایی که همواره کانت را به شگفتی آورده بود: جان و جهان. فروید رو به جان نهاد و مارکس به سوی جهان نگریست. و البته با یک برنامه پژوهشی مشابه که نقد تاریخ در مرکز آن قرار داشت، نقد چیزی که در گذشته نهفته بود، خواه گذشته فردی و خواه گذشته جمعی. به عبارت دیگر در این برنامه پژوهشی بعد طبیعی جای خود را به بعد تاریخی واگذار نمود، به این معنی که پدیده‌ها دیگر به منزله

شهرام پرستش

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

aparatesh@yahoo.com



- نظریه رمان
- جورج لوکاچ
- حسن مرتضوی
- نشر قصه

۱۳۸۱، ۲۱۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، ۱۴۵۰ تومان



آغاز گاه نظریه رمان لحنی نوستالژیک دارد:

خوشا به سعادت

دورانهایی که آسمان پرستاره

نقشه تمام راههای ممکن است!

دورانهایی که سایه آسمان

بر سر زمین گسترده و زمین و آسمان یگانه اند

حماسه متعلق به جهانی است که جان

در آن بیگانه نیست

و مانند هر جزء سازنده این هماهنگی،

در این جهان جای دارد

امور طبیعی قلمداد نمی‌شدند بلکه وجه تاریخی یافته بودند. بت‌انگاری کالایی (Fetishism) مارکس ناظر بر این قضیه بود که بعدها لوکاچ آن را به سراسر زندگی اجتماعی توسعه داد و «اساس این ساختار آن است که رابطه و پیوند میان اشخاص به صورت شیء، و در نتیجه به صورت نوعی عینیت خیالی در می‌آید، عینیت مستقلی که چنان به دقت عقلانی و فراگیر به نظر می‌رسد که تمام نشانه‌های ذات اساسی خویش - یعنی رابطه بین انسانها - را پنهان می‌کند.» (لوکاچ، ۱۳۷۷، ۲۱۱) واقعیات اجتماعی از آن حیث که قائم به ذات نبوده و به موجودات انسانی وابسته‌اند، بنابراین مکانمند و زمانمند و به عبارت بهتر عصری و دوره‌ای‌اند. هرچند نظام حاکم به منظور بهره‌برداری ایدئولوژیک آنها را به مثابه اشیاء جلوه داده باشد. از این منظر در نظام سرمایه‌داری حتی علم طبیعی به عنوان سلاح ایدئولوژیک در نظر گرفته می‌شود (مک دوناف، ۱۳۷۹، ص ۲۸۶) که ماهیت تاریخی آن با این رویکرد هویدا می‌گردد، زیرا پیش از هرچیز علم یک نهاد اجتماعی است که خصلت بازتابی (Reflexive) و بر ساختگی (Constructive) دارد. (Rosenberg, 1988 : 108). ادبیات نیز چنین وضعیتی دارد و تعلقات تاریخی ژانرهای ادبی ناظر بر این قضیه است. «نظریه رمان» لوکاچ بر این اساس شکل گرفته است و بر «تاریخی کردن مقولات زیبایی‌شناختی» (پارکینسون، ۱۳۷۵، صفحه ۲۲۷) و عزیزت از اشکال پیشینی عام دلالت دارد. در واقع «جان و اشکال» اگرچه با مقولات کانتی سروکار دارد، لیکن نظریه رمان صبغه هگلی داشته و پیش‌درآمد بینش تاریخی مارکس در اثر بعدی لوکاچ یعنی تاریخ و آگاهی طبقاتی است (فین برگ، ۱۳۷۵، ۱۳۷). بدین ترتیب در آثار لوکاچ می‌توان شاهد تجلی تدریجی تاریخ و اهمیت یافتن بعد تاریخی در تبیین پدیده‌های اجتماعی بود.

جامعه‌ای که محمل شکل ادبی رمان است
از گسیختگی جان و جهان رنج می‌برد
و قهرمان مسئله‌دار رمان به دنبال کلیتی است
که از واقعیت زندگی گریخته است

آغاز گاه «نظریه رمان»
لحنی نوستالژیک دارد:
«خوشا به سعادت دورانهایی
که آسمان پر ستاره، نقشه
تمام راههای ممکن است!»
(صفحه ۱۵) دورانهایی که
سایه آسمان بر سر زمین
گسترده و آسمان و زمین
یگانه‌اند. دورانهایی که به
تعبیر هگل سوژه و ابژه
یکی‌اند. لوکاچ نشانه این
همبودی جان و جهان را در
«حماسه» می‌جوید. حماسه
متعلق به جهانی است که
جان در آن بیگانه نیست و
مانند هر جزء سازنده این
هماهنگی، در این جهان
جای دارد. (صفحه ۱۹)
بنابراین قهرمان، حماسه
اجتماع است، نمونه‌ای
دورانی که از سوی خداوند
ترک نشده است. افسوس
که دورانِ مألوفِ حماسه،
پایدار و جاودانه نیست و

نظریه رمان

اثر کلاسیک فیلسوف مناقشه برانگیز مارکسیست
جورج لوکاچ است، فیلسوفی که با قرانت هگلی
آثار مارکس، مارکسیسم را از بن بست قشری گرای
مکانیسی‌نهایی نظیر ژدائف رهایی بخشید

لوکاچ

در واپسین صفحات کتاب خود
مطابق انگاره هگلی نوید بازگشت دیگرگونه تاریخ
را می‌دهد و باز آمدن دورانی که اتحاد جان
و جهان را با خود به همراه دارد؛
داستایوفسکی به این دنیای جدید متعلق است

لوگوس انشفاق می‌یابد و «در این دنیای جدید انسان بودن یعنی یکه و تنها بودن» (همان، صفحه ۲۴).

دوران جدید به تعبیر فیخته دوران گنهکاری محض است و به تعبیر نیچه دوران مرگ خدا. دیگر از آن یگانگی یونانی خبری نیست و گسست جان و جهان محوری‌ترین مسئله این دوران است. این دگردیسی و تحویل یگانگی به گسست، دیگر در شکل ادبی حماسه نمی‌تواند تجلی بیابد زیرا حماسه متعلق به دوران وحدت است و تحمل این گسست را در خود ندارد، از این رو شرایط امکان رمان به منزله شکل ادبی جدید فراهم می‌آید و ماجرای جدایی جان از جهان در رمان روایت می‌شود: «تفاوت میان حماسه و رمان، دو عینیت یافتگی ادبیات بزرگ حماسی، نه از تمایلات درونی نویسندگان آنها بلکه از واقعیت‌های تاریخی - فلسفی‌ای ریشه می‌گیرد که با آنها مواجه هستند.

رمان، حماسه عصری است که در آن تمامیت گسترده زندگی بی‌میانجی ارائه نمی‌شود، عصری است که برای آن حضور جاری معنا در زندگی به مسئله‌ای تبدیل گشته است، اما با این وجود هنوز براساس تمامیت می‌اندیشد. تلاش برای تعریف حماسه یا رمان به

عنوان گونه‌های متمایز ادبی با ملاک‌های یگانه و اساسی در نظم و در نثر امر سطحی و صرفاً موضوعی هنری خواهد بود.» (صفحه ۴۶)

جامعه‌ای که محمل شکل ادبی رمان است از گسیختگی جان و جهان رنج می‌برد و قهرمان مسئله‌دار رمان به دنبال کلیتی است که از واقعیت زندگی گریخته است. «شکست قهرمان آشکار می‌سازد که قهرمان برخلاف جهان یونانی در حضور بلاواسطه کلیت نیست. اما جست‌وجوی قهرمان را می‌توان به میانجی ادبیات شکل بخشید... می‌توان به کلیتی هنری در قالب رمان دست یافت که نشان حقیقت ضمنی این جهان باشد.» (ابادزی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۸۷) به تعبیر لوی استروس شکل ادبی رمان با این شگرد تضاد جان و جهان را در خود فرو می‌خورد تا اساساً حیات اجتماعی به چالش کشیده نشود.

لوکاچ در ادامه نظریه رمان پس از آنکه در معضله تضاد، توقف لازم را نمود به سنخ‌شناسی رمان در قرن نوزدهم می‌پردازد: «به طور کلی دو نوع ناهم‌ترازی داریم: جان یا تنگ‌تر و محدودتر و یا بسیط‌تر و گسترده‌تر از جهان خارجی است که به مثابه عرصه و بنیاد جوهری کنش‌هایش به آن اختصاص داده شده است.» (ص ۸۹). «ایده‌آلیسم انتزاعی» عنوان کلیه رمانهایی است که در آنها جان کوچک‌تر از جهان است. به عبارت دیگر دنیای اندیشگی قهرمان تنگ‌تر از جهان بیرونی است، لیکن قهرمان، این دنیای خیالی را اصل می‌انگارد و از آنجا که واقعیت با رویای او همخوان نیست، می‌پندارد که دست ارواح در کار بوده است بنابراین دست به کار می‌شود، از این رو است که صرفاً جنبه عمل‌گرایانه دارد. رمان «دون کیشوت» اثر سروانتس نمونه این نوع تعارض است. (پارکینسون، ۱۳۷۵، ص ۲۳۰)

دسته‌ای دیگر از رمانها موسوم به «رمانتیسیم مایوسانه» بزرگ‌تر بودن جان از جهان را صورت‌بندی می‌کنند. به عبارت دیگر دنیای



○ پیدایش رمان فارسی
 ○ گریستف بالایی
 ○ انتشارات معین - انجمن
 ایران‌شناسی فرانسه
 ○ ۱۳۷۷، ۲۲۰۰ نسخه، ۵۸۱
 صفحه، ۱۵۰۰ تومان

ایران‌شناس فرانسوی «گریستف بالایی» دارای مدرک دکترای تطبیقی از دانشگاه نانتر و دیپلم زبان فارسی از مدرسه زبانهای شرقی پاریس است. او در طی اقامت خود در ایران ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ نخست به عنوان پژوهشگر و پس از آن در مقام رئیس انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران به

مطالعه در ادبیات فارسی معاصر پرداخته و تاکنون کتابهایی چند در این زمینه نگاشته است. از جمله کتابهای وی می‌توان به سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، پند و سخن و کتاب پیدایش رمان فارسی اشاره کرد. کتاب اخیر همان‌گونه که از نامش پیداست، چگونگی شکل‌گیری و زایش رمان فارسی را بررسی می‌کند. رمان فارسی در ایران به عنوان نوع جدیدی از ادبیات نوین به واسطه تأثیر متقابل دو جنبش در ایران یعنی صنعت چاپ و مطبوعات و نهضت ترجمه به وجود آمده نویسنده در مقدمه کتاب با ذکر این مطلب می‌افزاید: گسترش مطبوعات باعث شد در نظام ادبی ایران دگرگونی مهمی پدیدار گردد، آن‌گونه که بسیاری از رمان‌نویسان جدید در ایران از ادبیات مطبوعات برخاستند. بنابراین پیدایش رمان در ایران «پدیده‌ای منفرد نیست» و عوامل چندی از جمله بحرانهای سیاسی، اجتماعی و روشنفکری در آن دخیل بوده‌اند. مؤلف بر این مبنای تلاش دارد خطوط کلی پیدایش رمان فارسی در ایران را آشکار کند و در این راه چندین مرحله متفاوت را برمی‌شمارد که ترجمه آثار خارجی، به خصوص فرانسوی مرحله اول آن را تشکیل می‌دهد. البته نویسنده وقایع سیاسی را که در ابتدای قرن نوزدهم در ایران باعث تغییر و تحولات مهمی در کشور می‌شود از نظر دور نمی‌دارد. او در ارائه خطوط اصلی تحقیق خود سعی نموده تا جایگاه رمان در ایران را در گذر از مراحل گوناگون تفسیر کند. «در مرحله نخست رمان می‌خواهد تا تفسیر دوباره از شکل‌های سنتی (حکایت، قصه...) در داستانهای تاریخی یا به قول ذبی‌ماتر: داستانهای عاشقانه باشد که اغلب خصلت حکایت و داستان کهن را حفظ کرده‌اند سپس نخت فائزتر ترجمه رمانهای اروپایی (الکساندر دوما در ایران به عنوان یک الهام بخش بزرگ) رمان تاریخی به وجود می‌آید و در تمام موارد تنها چند صباخی پس از آن یا فاصله زمانی بین ۱۰ تا ۲۰ سال گرایشهای گوناگون واقع‌گرا در رمان گسترش می‌یابند. آنچه در کتاب نیز مورد تحلیل قرار گرفته بررسی همین سیر و تحول چندگانه است.

کتاب به سه بخش تقسیم شده است: بخش اول عناصر اصلی پیدایش رمان فارسی در ایران را مورد مطالعه قرار داده همچون مطبوعات و صنعت چاپ، ترجمه و نظام ترجمه، مقدمه‌ها و سپس نتیجه‌گیری کلی از تمام این خطوط رمان را است. بخش دوم به بررسی رمان فارسی در اواخر قرن ۱۹ می‌پردازد و در آن ۳ کتاب امیرالسلطان، کتاب احمد و سیاحتنامه ابراهیم بیگ که نمایانگر سه دوره مختلف از ایران آن زمان است از زوایای مختلف بررسی می‌شوند. نویسنده این سه کتاب را نشانگر سه شکل متفاوت بافت اجتماعی، سه قشر مختلف خوانندگان و... می‌داند. او امیرالسلطان را نمونه آخرین رمان عامیانه فارسی و آخرین حلقه زنجیر سنتی که در زیر فشار نیروهای تجدد در حال گسستن است می‌داند. در کتاب احمد آن گرایش سنتی تاریخی در تمایل به تصویر واقعه ظهور می‌کند و سیاحتنامه ابراهیم بیگ از خلال انتقادی گزنده گامی به سوی واقع‌گرایی برمی‌دارد. بخش سوم کتاب، رمان در آغاز قرن بیستم را بازنمایی می‌کند و در آن ۱۱ رمان شکل گرفته در طی سی سال پس از انقلاب مشروطیت یک به یک «از لحاظ شکل و ته مضمون» آن‌گونه که نویسنده ذکر می‌کند مطالعه می‌شوند. «در واقع این متون اشکال مختلط و گنرابی را ارائه می‌کنند که در آنها به سهولت می‌توان تعامل نیروهای ناپایدار سنت و ابتکار را مشاهده کرد».

بخش بعدی کتاب شامل واژه‌نامه فارسی-فرانسسه و فهرست منابع فارسی کتاب و نیز منابع خارجی آن است که از تعدد و تنوع درخوری برخوردار است.

اندیشگی قهرمان آنچنان وسیع و خودبسنده است که قهرمان را به فرو روی در خود و انفعال وامی‌دارد. زیرا قهرمان برای ابراز وجود نیازی به اقدام عملی ندارد (همان، ص ۲۳۱) رمان «تربیت احساسات» اثر گوستاو فلوربر نمایانگر تعارض جان و جهان به شیوه «رمانتیسیم‌مایوسانه» است. شکل ادبی رمان که به انحاء مختلف ماجرای جدایی جان و جهان را حکایت می‌کند در حقیقت متناظر با دوران جدید است، دورانی که یگانگی جان و جهان یا ارزش و امر واقع از هم گسیخته و کلیت از دسترس دور مانده است. و از آنجا که همبودی سوژه و ابژه در هم شکسته، قهرمان سرنوشت شخصی خود را در این جست‌وجو دنبال می‌کند، زیرا هویت فردی امکان‌پذیر گردیده و قهرمان دیگر بر گردان جامعه نیست. اما در دوره تاریخی نخست که یگانگی سوژه و ابژه حاکم بود و جان در اتحاد دائم با جهان قرار داشت حیات شخصی قهرمان با امتناع مواجه بود زیرا سوژه مستقلی وجود نداشت که راه خود را در مواجهه با جهان پیموده باشد. از این رو در جامه قهرمان در حقیقت جامعه نهفته بود. اما لوکاچ در واپسین صفحات کتاب خود مطابق انگاره هگلی نوید بازگشت دیگرگونه تاریخ را می‌دهد و بازآمدن دورانی که اتحاد جان و جهان را با خود به همراه دارد. داستایوفسکی به این دنیای جدید متعلق است (ص ۱۵۳).

البته لوکاچ به این امید پیامبرانه خود، بیم واقعیت قدرتمند را افزوده بود. فارغ از این بیم و امید، آنچه می‌تواند اهمیت داشته باشد تعبیر تاریخی فلسفی او از مقولات زیبایی‌شناختی و اساساً توصیف «توپوگرافیه‌های استعلایی» (transcendental topographies) است (فین برگ، ۱۳۷۵، ص ۳۸۰). یعنی برقراری تناظر بین شکل ادبی از یک سوی و ساختار اجتماعی از سوی دیگر.

منابع:

- اباذری، یوسف (۱۳۷۷) خردجامه‌شناسی، تهران، انتشارات طرح نو
 - پارکینسون، جی (۱۳۷۵) لوکاچ و جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه هاله لاچوردی، در فصلنامه ارغنون، شماره ۹ و ۱۰، تهران، بهار و تابستان
 - فین برگ، آندرو (۱۳۷۵) رمان و جهان مدرن، ترجمه فضل‌الله پاکزاد، در فصلنامه ارغنون، شماره ۱۱ و ۱۲
 - کانت، امانوئل (۱۳۷۷) روشنگری چیست، ترجمه سیروس آرین‌پور، تهران، نشر آگه
 - لوکاچ، گئورگ (۱۳۷۷) تاریخ و آگاهی طبقاتی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر تجربه
 - لوکاچ، گئورگ (۱۳۸۱) نظریه رمان، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر قصه
 - مک دوناف، رابرت (۱۳۷۹)، لوکاچ و ایدئولوژی به مثابه آگاهی کادب، ترجمه شهرام پرستش، در فصلنامه ارغنون، شماره ۱۶
 - هگل، گئورگ (۱۳۷۹) عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات شفیعی
 - Rosenberg, Alexander (1988) Philosophy of Social Science, Clarendon Press, Oxford.